

هوشمندسازی در فرآیند آزادسازی

دکتر غلامحسین عبیری

مقدمه

ساختار اقتصاد ایران در مسیر تعهدات و توافق نامه‌های بین‌المللی مبتنی بر آزادسازی، در یک دهه گذشته، اقدامات ویژه‌ای از لحاظ تک نروخی شدن ارز، تقاضای عضویت در سازمان جهانی تجارت، ورود سرمایه‌گذاری خارجی و خصوصی‌سازی را در سید سیاست‌گذاری‌های اقتصادی خود قرار داده است. این اقدامات و سایر فعالیت‌های مکمل، گام‌هایی هستند در جهت آزادسازی اقتصاد دولتی با این هدف که در مسیر انتقال ساختار از برنامه‌ریزی متمرکز به اقتصاد بازار، بر برخی از کاستی‌ها همچون پایین بودن نرخ رشد اقتصادی، فقر، بیکاری، تورم و نابرابری فائق آییم. این مهم بدون "هوشمندسازی" (Smarting) در فرآیند آزادسازی می‌تواند هزینه‌های جبران‌ناپذیری را در مسیر توسعه یافتگی به کشور تحمیل نماید.

اکنون پرسش اصلی این است که هوشمندسازی بر روی چه محورهایی پایه‌گذاری می‌شود؟ و در جامعه‌ای که فرآیند پرسشگری با چالش روبرو است، چگونه می‌توانیم به گونه‌ای پویا عمل کنیم؟ شایان یادآوری است که این پرسش در شرایطی مطرح می‌شود که شفافیت لازم در امر بودجه‌ریزی با چالش روبرو شده و ادعا می‌شود که خواب سرمایه در ایران، شش برابر چین و خواب امکانات تولید در صنایع خودروسازی شش برابر صنعت مشابه در ژاپن است. پرسش کلیدی‌تر هم این است که چرا حمایت سیاستگذاران از آزادسازی، محدود به دامنه خاصی است؟

این نوشتار در صدد آن است تا اهمیت هوشمندسازی را براساس "نظریه اطلاعات" در فرآیند آزادسازی مورد توجه صاحب‌نظران قرار دهد.

جایگاه تابع تولید

علم اقتصاد، در ساختار نظریه پردازی، جایگاه ویژه‌ای را برای تابع تولید در اقتصاد خرد در نظر گرفته است. این تابع به صورت زیر ارایه می‌شود:

$$g = AK^\alpha H^\beta$$

که در آن g سرانه تولید، K سرانه سرمایه، H سرمایه انسانی هر نیروی کار، A سطح فناوری، α و β کشش تولید نسبت به عوامل تولید می‌باشند



کشورهایی که انسان را محور توسعه می‌دانند، شرایط دانش‌پذیری و هوشمند کردن جامعه را مبنای تحول قرار می‌دهند.

(Ghatak/۲۰۰۳)^(۱)

در این تابع تولید، سرانه تولید (g) تابع سطح فناوری یا هوشمند بودن نظام اقتصادی است. سرانه سرمایه در بنگاه‌های اقتصادی نیز بسیار زیاد است و از یک انحراف از معیار دور از ذهن در کشورهای صنعتی و در حال توسعه، برخوردار است. از سوی دیگر، سرمایه انسانی ($Capital$ Human) هر فرد نیز از یک بنگاه به بنگاه دیگر و از یک فناوری به فناوری دیگر متفاوت است و سطوح مختلفی از کارایی را برای انسان اقتصادی تعریف می‌کند.

Rodrick (۱۹۹۹) با طرح پرسش راجع به مسیر رشد اقتصادی، موضوع تعارض اجتماعی و بحران‌های خارجی (Shocks) را از عوامل سقوط رشد اقتصادی بر می‌شمارد.^(۲) Hall و همکارانش (۱۹۹۹) نیز پرسش دیگری را مطرح می‌کنند که چرا میزان تولید سرانه در برخی از کشورها، به مراتب زیادت از دیگر جوامع است؟^(۳)

ملاحظه می‌کنید که کشورهایی که انسان را محور توسعه می‌دانند، شرایط دانش‌پذیری و هوشمند کردن جامعه را مبنای تحول قرار می‌دهند، این در حالی است که تولید سرانه برخی از افراد، در اثر کار و تلاش بیش از حد متعارف

چرا حمایت
سیاستگذاران از
آزادسازی، محدود
به دامنه خاصی
است؟



استیگلیتز، توسعه دموکراتیک را
محصول نیروی کار می‌داند.

کاری مورد تأکید قرار دهیم. اما نکته دارای اهمیت این است که نظام بانکداری هم از طریق بحران‌های درون سیستم، زمینه عدم تعادل را فراهم می‌سازد (Honohan/۲۰۰۵).^(۶)

لذا ملاحظه می‌کنید که چرخه نظام بانکداری دولتی از یکسو، و نظام تولید با فناوری‌های نامتناسب از سوی دیگر، عوامل کلیدی در دو سوی کارفرما و مصرف‌کننده بشمار می‌آیند. این بدان معنی است که چرخه تولید کارایی و چرخه رفتار مصرف‌کننده، با مطلوبیت متناسب با کار و فعالیت همراه نمی‌باشند. اما این معضل از طریق هوشمند کردن مصرف‌کننده و تولید کننده نسبت به بازار قابل حل است. راهکار حل مسأله هم رقابت‌پذیری در شرایط دسترسی به اطلاعات است. این اطلاعات به دلیل پیچیدگی موضوع، نیازمند "هوشمندسازی" فرآیند "تغییر ساختار از برنامه‌ریزی متمرکز به بازار" می‌باشند.

حمایت محدود سیاستگذاران از آزادسازی هم نشانه نگرانی غیرمنطقی از آشوب (Chaos) در فرآیند هوشمندسازی است، در حالیکه پرهیز از اطلاع رسانی بموقع، این فرصت را به رقبا می‌دهد تا شرایط تخریب در "اقتصاد اعتماد" را فراهم کنند و امکان رقابت‌پذیری سالم را محدود سازند. بدون تردید، همین مخاطرات، روی آوردن به سوی آزادسازی را در ابعاد مختلف الزام‌آور می‌سازند. لازم به یادآوریست که هوشمندسازی، زمان‌بر است و جامعه می‌بایست به اشکال مختلف اقدامات لازم برای اطلاع‌رسانی را در دستور کار خود قرار دهد. برگزاری سمینارها، نمایشگاه‌ها، سخنرانی‌ها و رسانه‌ها ابزارهای متداول در جهت هوشمند سازی جامعه می‌باشند و درجه آزادی عمل (Openness) ابزارهای اطلاع‌رسانی نیز میزان هوشمندی دولت را در امر آزاد سازی ارتقا می‌دهد و این مهم نباید محدود به طبقه خاصی باشد. قابل ذکر است که اطلاعات، قدرت است و هوشمندسازی، می‌بایست با تمرکز زدایی همراه باشد.

عوامل توسعه

عوامل پنج‌گانه زیر حوزه توسعه نوین را در مسیر آزادسازی مورد توجه قرار می‌دهند:

الف) منابع انسانی (HR).

ب) سازماندهی.

پ) فضای اجتماعی- سیاسی.

ت) محیط اقتصادی.

ث) بوم شناسی (Ecology).

هر یک از عوامل فوق به تنهایی می‌توانند فضای تعامل دیگر حوزه‌ها را با خطر روبرو سازند. بنابراین، هیچگاه اولویت خاصی برای آنها در نظر گرفته نمی‌شود. در این شرایط، منابع انسانی حوزه تیم کاری، میزان حرفه‌ای عمل کردن، استمرار و ظرفیت‌های سازماندهی را هدف قرار می‌دهد. هوشمندسازی در این حوزه بسیار حساس و نیازمند سازماندهی است.

و به دور از معضلات اجتماعی، در سطح بالایی قرار دارد. در حقیقت، کارایی برخی از افراد در اثر معضلات سازمانی، محیط اثربخشی را فعال نموده و تابع تولید کالا یا خدمات را با معضل روبرو می‌سازد.

امروزه جایگاه تئوری اطلاعات، برای اقتصاددانان نوکلاسیک، بسیار با اهمیت است و اقتصاددانان نامداری همچون Hansmann (۱۹۹۹) و Stiglitz (۲۰۰۰) تفسیر ویژه‌ای از مزیت‌های کارایی فعالیت‌های تعاونی (Co-Operatives) در حوزه توسعه نو (New Development) بر مبنای اطلاعات قایل هستند.^(۵،۴) Stiglitz (۲۰۰۰)، توسعه دموکراتیک را محصول نیروی کار می‌داند. این شرایط برای کشورهای در حال توسعه فراهم نبوده، بنابراین، به اهمیت توسعه دموکراتیک پی نبرده‌اند.

کاهش غیر منتظره ارزش سهام بورس تهران در نیمه دوم سال ۱۳۸۷ شمسی، بدون تفسیر باقی می‌ماند، زیرا جایگاه تابع تولید نسبت به سرمایه و نیروی کار، محدود به فناوری‌هایی است که در سطح ممتازی (High-Tech) قرار ندارند. اگر بخواهیم نقش کلیدی را در تابع تولید به عهده بگیریم، لازم است که بنگاه اقتصادی را برای پذیرش مسوولیت مهم‌تری که "سازگاری در فرآیند تولید است" آماده سازیم. این مهم در سایه "هوشمند سازی" سرمایه‌های اجتماعی، به گونه‌ای کارآمد عمل خواهد کرد و مانع توسعه نیافتگی را از سر راه بر خواهد داشت.

الگوی مطلوبیت

الگوی مطلوبیت، مکمل تابع تولید است و به هر میزان که تابع تولید از محیط استاندارد جهانی فاصله بگیرد، الگوی مطلوبیت نیز دچار انحراف خواهد شد. ساده‌ترین الگوی مطلوبیت را می‌توان به صورت زیر نوشت:

$$U = U(q, L)$$

که در آن U مطلوبیت سرمایه انسانی، q مصرف کالا و خدمات و L میزان استراحت و تفریحی است که فرد، در تابع مطلوبیت تعریف کرده است. بر مبنای مدل‌های ریاضی و در شرایط خاص الگوهای کلاسیک مطلوبیت، رابطه زیر قابل اثبات است:

$$\frac{MU(q)}{MU(L)} = \frac{P(q)}{W}$$

در این رابطه، نسبت مطلوبیت نهایی کالاها و خدمات (MU) به مطلوبیت نهایی میزان استراحت (leisure-L) برابر است با نسبت قیمت کالا به سطح دستمزد فرد (Ghatak, ۲۰۰۳).

بنابراین، اگر پدیده فقر را در کشورهای در حال توسعه اجتناب ناپذیر بدانیم، وجود یک عدم تعادل در تابع مطلوبیت اجتناب‌ناپذیر خواهد بود و به تبع آن، تابع تولید نیز آسیب‌پذیر است. پرسش Birdsall (۲۰۰۵) درباره چگونگی کمک به کشورهای فقیر را می‌توانیم با تأکید بر نیروی انسانی و افزایش دستمزد، در شرایط بهره‌ور نمودن نیروی

**پرهیز از
اطلاع رسانی بموقع،
این فرصت را به رقبا
می‌دهد تا شرایط
تخریب در اقتصاد
اعتماد را فراهم کنند
و امکان رقابت‌پذیری
سالم را محدود
سازند.**

توزیع درصد رضایت‌مندی زندگی در کشورهای اروپای شرقی-۲۰۰۴

نام کشور	رضایت خیلی زیاد	رضایت نسبی	عدم رضایت
جمهوری چک	۳۳	۵۱	۱۵
اسونی	۵	۵۲	۳۳
سزارستان	۱۲	۵۲	۳۶
لاتویا	۴	۳۵	۵۱
لیونی	۷	۵۶	۳۷
لهستان	۱۲	۲۷	۳۹
اسلوواکی	۸	۵۲	۳۸
اسلوونی	۲۷	۶۳	۱۰

اتحادیه اروپا در دسترس است، حاوی اطلاعات جالبی است. اتحادیه اروپا در سال ۲۰۰۴ در یک بررسی تحقیقی نتایج بالا را ارائه داده است: (۸)

ملاحظه می‌کنید که عدم رضایت بین ۱۰ تا ۵۱ درصد در نوسان است. این پدیده نشان می‌دهد که موضوع رضایت، یک امر نسبی است و ساختار حاکمیت به هر شکلی که عمل کند، درصدی از جامعه (حتی به طور محدود) ناراضی خواهند بود، اما هوشمندسازی می‌تواند سهم رضایت‌مندی نسبی را افزایش دهد. بی‌شک این نسبت‌ها تا حدودی قابل تعمیم به سایر کشورهای حوزه آفریقا، آسیا و خاورمیانه نیز می‌باشند. هوشمندسازی را می‌توان به یک ماتریس سه در سه تبدیل کرد تا مراحل تکامل موضوع دیده شود.

ماتریس روند هوشمندسازی در فرآیند آزادسازی

هوشمندسازی	چه محصولاتی را پیش رو دارید؟	چگونه عمل می‌کنید؟	چه چیزی است؟
مرحله ۱ چگونه ایجاد می‌شود؟	انباشت دانش	تولید دانش	داده‌ها-اطلاعات-دانش
مرحله ۲ چگونه وارد عمل می‌شود؟	بازدهی اجتماعی دانش	بازدهی دانش	آزادسازی دانش
مرحله ۳ چگونه به اوج می‌رسد؟	جامعه هوشمند	رقابت‌پذیری هوشمندانه	لرجه بازده دانش

اوج هوشمندسازی، رقابت‌پذیری است که امر توسعه نوین را پویا می‌سازد. همانطور که ملاحظه می‌کنید، هدف هوشمندسازی، انباشت دانش و گردش دانش نیست، بلکه هدف مرحله سوم هوشمندسازی است که می‌تواند امر توسعه نوین را تسهیل نماید. در این فضا، نقش آزادسازی در هوشمندسازی را به واقع به صورت مرحله‌ای مشاهده می‌کنید.

ابعاد هوشمندسازی

مدیریت منابع در این فضای پیچیده ایجاب می‌کند که به گونه‌ای هوشمندانه عمل کنیم. پاسخ به این پرسش که بنگاه اقتصادی شما چگونه هوشمندانه به جلو می‌رود؟ کار

در حوزه سازماندهی، موضوعاتی همچون مالکیت، دیگران را درگیر کارکردن حرفه‌ای و تخصصی کارکردن و توجه به نقاط قوت و ضعف با توجه به هوشمند بودن سازمان، از اهمیت خاصی برخوردارند. موفقیت یا شکست در امر سازماندهی نیز ناشی از کم توجهی به فضای اجتماعی-سیاسی درگیر با مسأله است.

فضای اجتماعی-سیاسی، نیازمند توجه به حقوق بشر (Human Right)، حقوق مدنی (Civil Right)، دموکراتیزه کردن و درجه ناهماهنگی می‌باشد. این فضا به طور متعارف در کشورهای در حال توسعه همراه با چالش بوده و نمی‌توان به سهولت بر کاستی‌های آن فایق آمد. به طور طبیعی، نارسایی در فضای اجتماعی-سیاسی، چالش‌های عمده‌ای را در پیش روی دولت‌ها قرار داده و محدودیت‌هایی را در مسیر هوشمندسازی ایجاد می‌کند و در عین حال، حوزه آزادسازی را نیز دچار ناآرامی می‌کند. بنابراین، توصیه موکد، همانا بهبود گام به گام فضای اجتماعی-سیاسی است.

بدون تردید، عوامل فوق به شدت تحت تأثیر محیط اقتصادی قرار دارند و متغیرهایی همچون کمیابی، فقر، شرایط قیمت‌گذاری در سطح کلان و محدودیت‌های زیرساختی، از عوامل کلیدی در نارسایی محیط اقتصادی می‌باشند. از سوی دیگر، رقابت‌پذیری، نوآوری و خلاقیت از عوامل مهم در حوزه هوشمندسازی می‌باشند که می‌توانند این فرآیند را به خوبی تقویت کنند. معمولاً برنامه‌ریزی و هدف‌گذاری در این محیط نیز اثر چشمگیری دارد.

از سوی دیگر، بوم‌شناسی که به بررسی روابط سازواره (Organism) با محیط می‌پردازد، از سال‌های ۱۸۷۳ وارد حوزه علوم زیستی شد و برای منابع طبیعی و محیط زیست و شرایط اقلیمی جایگاه خاصی را در نظر گرفت. بدیهی است که اطلاع‌رسانی در این حوزه نیز دارای اهمیت کلیدی است و دیگر نمی‌توان به سنت‌های دیرین بسنده کرد.

ملاحظه می‌کنید که هوشمندسازی، برای هر یک از مقاطع پنج‌گانه فوق اهمیت غیرقابل انکار دارد و از آن می‌توان برای تسهیل در امر آزادسازی بهره برد. این مهم در عمل چندان کار ساده‌ای نیست و مدیریت عوامل پنج‌گانه فوق با هدف هماهنگی فعالیت‌ها با توجه به عدم دسترسی به فناوری‌های مطلوب، امری سخت و دشوار است. سیاستمداران هم با پذیرش سیاست "بده-بستان" (Take and Give)، می‌توانند برای رسیدن به این هدف تسهیلاتی را فراهم سازند. Zoomers (۲۰۰۷) در این زمینه تجربیات مفیدی را مدون ساخته است. (۷)

رضایت‌مندی

مطالعات مربوط به رضایت‌مندی زندگی (Life Satisfaction) در دنیای معاصر، محدود و پراکنده است. یکی از مطالعاتی که در حوزه کشورهای فراسوسیالیستی (Post-socialism) در پیوستن به

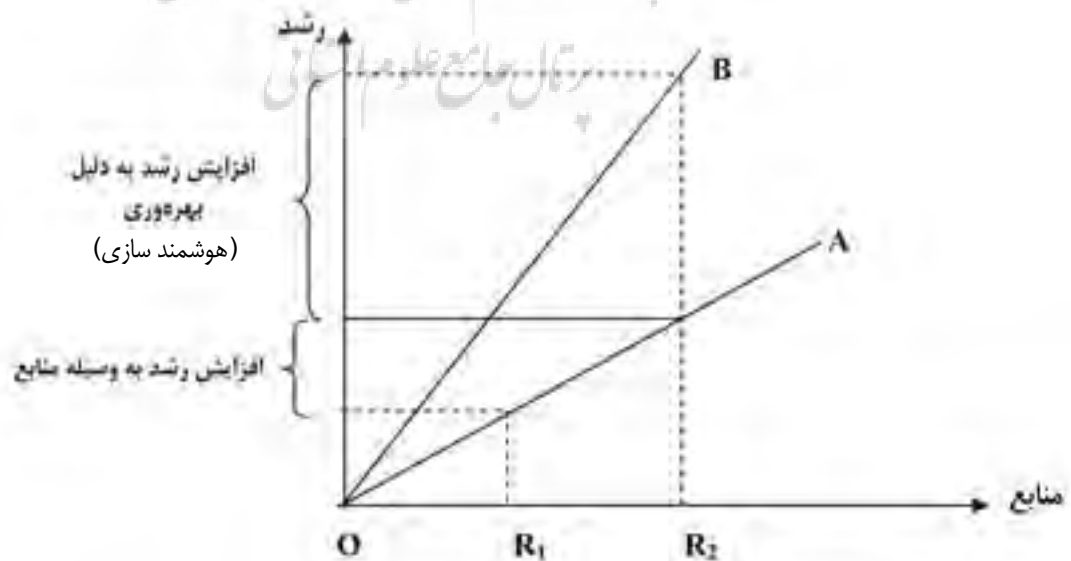


به هر میزان که تابع تولید از استاندارد جهانی فاصله بگیرد، الگوی مطلوبیت نیز دچار انحراف خواهد شد.

مردم در جهت ارتقای کیفیت است (Frej/2002) (Anne)^(۹). برخی دیگر از صاحب نظران در اجرا، رشد هوشمند را معادل "برنامه ریزی هوشمند" (Intelligent Planning) تعریف کرده اند. Saari (2006) افزایش رشد را به حوزه بهره وری مرتبط می داند. این رشد غیرقابل پیش بینی و فراتر از تابع تولید، محصول برنامه ریزی هوشمند (IP) است. نمودار زیر دیدگاه Saari را نشان می دهد.^(۱۰)

ساده ای نیست و نیاز دارد که حرکت های هوشمندانه ای (Smart Mobility) را در برنامه خود داشته باشید. موقعیت سازمان شما می تواند رشد هوشمندانه ای (Smart Growth) را برای شما به همراه داشته باشد؛ الگوی سرمایه گذاری مستقیم خارجی (FDI) یکی از این نمونه ها است. با وجود این، شما نیز به نوبه خود باید این انگیزه را داشته باشید تا به رشد هوشمند (SG) دست یابید. تعبیر رشد هوشمند، به معنی اطمینان به محیط اقتصادی-شهر و مردم- به منظور مسوولیت پذیر عمل کردن و حمایت

نظریه بهره وری و اندازه گیری Saari 2006



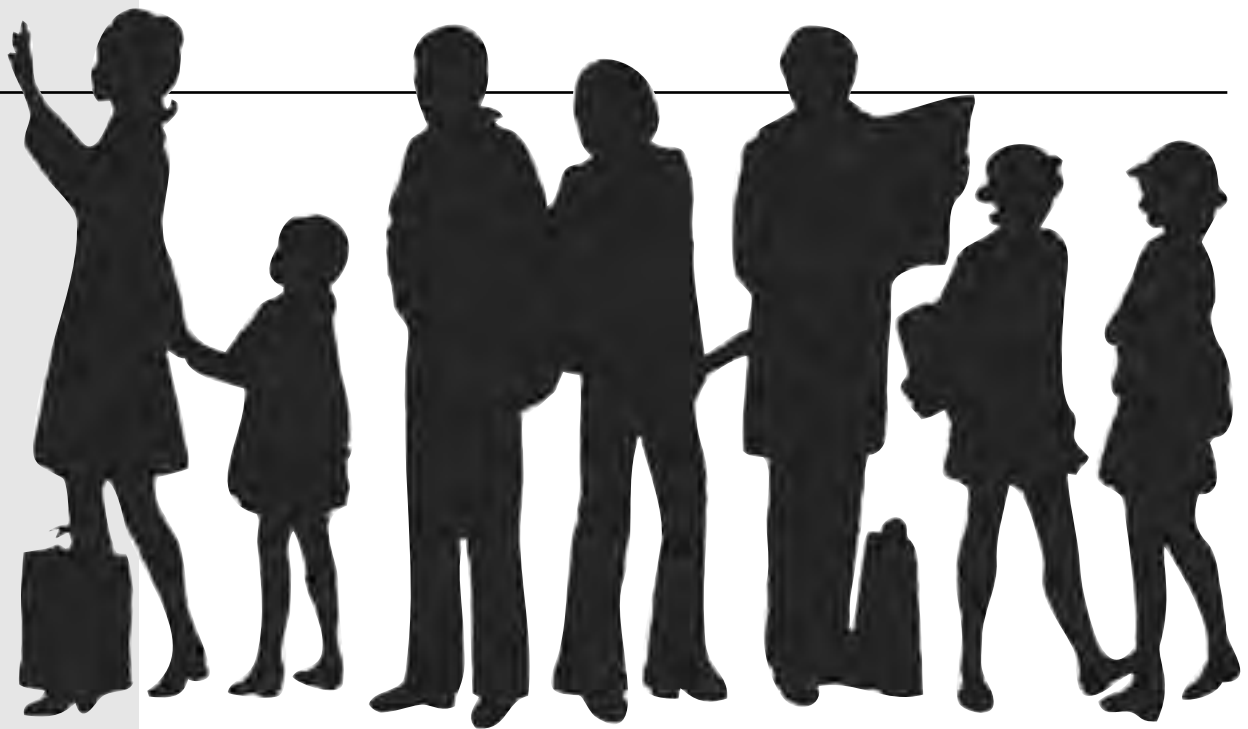
متفاوت باشد. مقررات زدایی، نقدپذیری، رقابت‌پذیری، گردش اطلاعات و خوش بینی، از جمله عواملی هستند که می‌توانند محیط تابع تولید را غنی کنند و فرایند هوشمندسازی را تسهیل نمایند. مدیریت منابع انسانی (HRM) متکی بر هوشمندسازی سازماندهی می‌شود. آزادسازی در فرآیند چند بعدی خود مسأله هوشمندسازی را حل نموده، رقابت‌پذیری را مهمترین نیروی محرکه هوشمند کردن سرمایه‌های انسانی تعریف می‌کند. بنابراین، جامعه هوشمند، حرکت هوشمند و رشد هوشمند، در مراحل مختلف آزادسازی، مسأله توسعه‌نیافتگی را هدف قرار می‌دهند و محیط مناسبی را برای تحول فراهم می‌آورند.

شکاف OA و OB در این نمودار، پدیده ساده‌ای نیست و تنها به توانایی تابع تولید محدود نمی‌شود و خلاقیت و نوآوری، از جمله مباحثی است که شکاف فوق را توجیه می‌کند. این عوامل، محصول هوشمند بودن و هوشمند عمل کردن می‌باشند.

ملاحظه می‌کنید که سرمایه انسانی می‌تواند در تابع تولید هوشمند باشد، ولی هوشمند عمل نکند. این نقصان ناشی از عوامل محدود کننده SM است. حرکت‌های هوشمندانه (SM)، محصول انگیزه برای SG خواهند بود. پیچیدگی عوامل محیطی باعث می‌شود که شناخت این متغیرها و تعامل بین آن‌ها با بررسی‌های کارشناسی گره بخورد و عوامل هوشمندسازی از محیطی به محیط دیگر

کسب قدرت از طریق
هوشمندی، مقدم و
مرجع بر دستیابی
به قدرت از طریق
سخت‌افزاری است.





ساختار حاکمیت به هر شکلی که عمل کند، درصدی از جامعه ناراضی خواهند بود، اما هوشمند سازی می تواند سهم رضایت مندی را افزایش دهد.

اجتماعی و فرهنگی گره می‌زند. این وحدت رویه، عامل مستقیمی در جهت ارتقا و فعال نمودن محیط هوشمند و اثربخشی بر عوامل تولید است.

هوشمند سازی می‌تواند روند اتکا بر قدرت سخت‌افزاری را به روند پذیرش قدرت نرم‌افزاری تبدیل نماید. این تحول، پذیرش نظریه رجحان (Theory Preference) از نظریه اخلاق هوشمند (Smart Ethical Theory) به منظور تلطیف جامعه و پرهیز از خشونت است. کسب قدرت از طریق هوشمندی، مقدم و مرجح بر دستیابی به قدرت از طریق سخت‌افزاری است. این برتری جویی، از طریق مدیریت دانش (Knowledge Management) سازماندهی می‌شود. آزادسازی، چالش‌های موجود بر سر قدرت سخت‌افزاری را کنار می‌زند و مسیر دستیابی به قدرت نرم‌افزاری را هموار می‌سازد.

لازم به ذکر است که فضای مبهم دیوانسالاری، عامل متلاشی کننده هوشمندی است و با تکیه بر مقررات زدایی، می‌توان پویایی را به تابع تولید بازگرداند.

آینده را بسازیم

واژه هوشمند (Smart) با وجود آنکه عمری طولانی دارد و قبل از قرن دوازده میلادی هم مورد استفاده بوده است، اما هر چه به جلوتر می‌رویم، کاربردی‌تر می‌شود و در محیط پیچیده انسان- ماشین- منابع، جایگاه معتبرتری می‌یابد؛ از کارت هوشمند تا ماشین هوشمند و از پول هوشمند تا جامعه هوشمند، محیط گسترده‌ای از فعالیت‌های اجتماعی را شامل می‌شوند که اقتصاد فرا مدرن امروز را شکل می‌دهند. آزادسازی نیز در عمل تسهیل نمودن یا حذف محدودیت‌هایی است که نظام سیاسی و اقتصادی را به نظام

منابع

- 1) Ghatak, S./2003/"Introduction to Development Economics"/ P.218&235.
- 2)Rodrick , D./1999/"Where did all the growth go? External Shocks, Social Conflict, Growth Collaps"/Journal of Economic Growth/4,4- 385-412.
- 3)Hall, R.E&C.I.Jones/1999/"Why do some countries produce so much more output per worker than others?/QJOE /114, 1:83-116.
- 4) Hansmann, H./1999/"Co-operative Firms in Theory and Practice"/Finnish Journal of Business Economics/44,4:387-403.
- 5)Stiglitz , J.E./2000/"Democratic Development as the Fruits of Labour"/Boston: Industrial Relation Research Institution.
- 6)Honohan, P./2005/"Banking Sector Crises and Inequality"/WB Policy Research Working Paper 3659/Washington, D.C.
- 7)Zoomers, Annelies/2007/"Three Decades of Rural Development Asia, Latin America & Africa".
- 8)European Comission/ 2004/'Life Satisfaction in Post- socialist Countries, Joining the European Union.
- 9)Anne Frej/ 2002/"Corporate Location & Smart Growth"/Urban Land Institute/Use Policy Forum Report/Washington,D.C.
- 10)Saari, S./2006/"Productivity Theory & Measurement in Business"/Productivity Handbook/ Finland/ European Productivity Conference.